

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

به قلم نورمن پیچ

برگردان به فارسی از حمید بهشتی

۱۱/۰۱/۲۰

## سودان: نفت، جنگ و تجزیه

برگرفته از <http://www.tlaxcala-int.org/article.asp?reference=3335>

این روزها سه ملیون از اهالی جنوب سودان که دارای حق رأی می باشند در باره آتیه بزرگترین کشور افریقا تعیین تکلیف می کنند. کمتر کسی شک دارد که این کار به تجزیه و جدائی از شمال و تأسیس کشور جدیدی در جنوب می انجامد. رؤسای جمهور شمال و جنوب، عمر حسن البشیر و سالوا کی پر همواره تأکید می کنند که اجازه بروز خشونت را نخواهند داد و نتیجه رفتارندم را خواهند پذیرفت. سرکرده نیروهای سازمان ملل در جنوب، آلان لیه روا به شورای امنیت سازمان ملل طرح عملیاتی خود را برای حالتی که به خشونت های نظامی بینجامد عرضه نمود. به گفته وی در حال حاضر هیچگونه شاهدهی که نشانگر چنین حالتی باشد وجود ندارد. اما او با ۱۴۷۰۰ سربازی که در اختیار دارد، در موقعیتی نیست که بتواند از بروز جنگ داخلی جلوگیری نماید.

این احتمال می رود که جنگ داخلی بر سر نفت و اراضی سرسبز مورد مناقشه با وضع ناروشنی که مرز کشی در مناطق بین این دو قسمت دارد، بروز نماید. دادگاه بین المللی لاهه در ژوئن ۲۰۰۹ مرزی را معین ساخت و میدان های مهم نفت را برای شمال نهاد، اما اراضی سرسبزی که برای حشم داران شمالی دارای اهمیت می باشند را به جنوب واگذار نمود. خرطوم این تقسیم بندی را تأیید نکرده است. بدین صورت این تقسیم بندی منطقه ئی همچنان دستخوش بی ثباتی می باشد. این موضوع می تواند ماده انفجاری باشد که جنگ داخلی سال ۲۰۰۵ را دوباره به راه بیندازد.

بخش شمالی احتمال دارد در کسب استقلال جنوب به شدت بازنده باشد: ۸۰٪ مخازن نفت را که برابر اطلاعات فعلی در جنوب قرار دارند، ۵۰٪ از درآمد حاصل از نفت را که بر حسب قرارهای فعلی شمال دریافت می نماید و نیز ۳۰٪ از اراضی کشور و مردم آن را شمال از دست خواهد داد. اما در حال حاضر هیچ جایگزینی برای طرح استقلال مزبور مطرح نیست، حتا با این که بشیر دائم به جنوب پیشنهاد می کند که در صورت باقی ماندن در یک

کشور مشترک همه در آمد نفت متعلق به آنها باشد. وحدت کشور که در قرارداد صلح ۲۰۰۵ با مساعی طرفین بر سر آن توافق شد را شمال باخته و جنوب به رهبری سالو کی یر از آن صرفنظر کرده است. از این جدائی چیزی عاید بخش شمالی نخواهد شد. این امر حتماً موجب آرامش نیز در آنجا خواهد بود. وپروس تجزیه حتماً ممکن است به بخش های دیگر، به دارفور در غرب و مناطق "بجا" در شرق نیز سرایت کند، البته در صورتی که بیش از این ها دیگر گسترش نیابد. اما با این حال بخش شمالی، علی رغم اینکه بزرگترین میدان های نفت در حال حاضر در بخش جنوبی قرار دارند، عامل دیگری را در اختیار دارد. بخش شمالی تأسیسات مربوطه را که شامل لوله های نفت، پالایشگاه ها و بنادر است در اختیار داشته، هر یک از طرفین دعوا برای بهره برداری از منابع موجود به طرف دیگر وابسته می باشد.

در پایان دهه ۱۹۵۰ شرکت های بزرگ نفتی به منافع خویش در بخش جنوبی سودان پی بردند. در سال ۱۹۵۹ شرکت ایتالیائی AGIP در دریای احمر از وجود گاز اطلاع حاصل نمود. از ۱۹۷۸ شرکت شیورون با مشارکت شل به شدت فعال گشت. چندی بعد اهالی آنجا - دینگا و نُور - هسته مقاومت جنوب را تحت نام ارتش آزادیبخش مردم سودان SPLA به وجود آوردند. سپس با بروز جنگ داخلی در سال ۱۹۸۳ قرارگاه های شیورون مورد حمله قرار گرفته و مأمورانش به گروگان رفتند. آنگاه شرکت مزبور فعالیت خویش را متوقف نمود و پس از کودتای جبهه ملی اسلامی در سال ۱۹۸۹ این سرزمین را ترک نمود. شرکت های شیورون و شل یک میلیارد دلار خسارت دیدند. از آن هنگام دیگر هیچیک از شرکت های امریکائی در فعالیت های استخراج نفت سودان حضور ندارند. با اینحال ایالات متحده آمریکا فعال ترین کشور خارجی است که نسبت به آینده سودان دخالت می کند. علی رغم اینکه آمریکا تحریم اقتصادی وسیعی را در مورد سودان اعمال نموده و هر سال نیز تجدید می کند. راهکار امریکا کمک به استقلال بخش جنوبی سودان بوده و در این راه به شمار زیادی از سازمان های غیردولتی کمک و به SPLA اسلحه می رساند. به گفته معاون رئیس جمهور امریکا جو بایدن در سفر اخیرش به خرطوم، در صورتی که رفراندوم سودان بدون دردمس انجام گیرد، احتمال دارد که این کشور از ادامه تحریم اقتصادی صرفنظر نماید. علاقه امریکا به اینکار چندان ربطی به از سرگرفتن معاملات نفتی نداشته و به سرنوشت اهالی مسیحی این کشور نیز مربوط نیست. مهم تر از این ها موقعیت ستراتیژیک کشوری تازه ایست که به وجود خواهد آمد و فعالیت غیر قابل چشم پوشی چینی ها است در قلب افریقا.

هر دو طرف قرارداد صلح ۲۰۰۵ خود را مکلف نمودند که حتماً در صورت جدائی نیز نسبت به قراردادهای نفتی مقید خواهند ماند. این امر برای چینی ها که بزرگترین سرمایه گذاری را در ۴ کنسرسیوم بین المللی به عمل آورده و ۴۰٪ صنایع نفت سودان (در جوار شرکت مالزیائی پتروناس) به آنها تعلق دارد، اطمینان بخش است. همچنین فقط چین است که تا کنون عملاً علاقه مندی به سرمایه گذاری پسا رفراندوم را اعلان نموده است. چینی ها بندر نفتی و پالایشگاهی در پورت سودان به نا نموده و نیز کشیدن لوله نفتی میان کوردومان غربی و خرطوم را به لحاظ مالی تأمین، ساختن سد مرّوه را بر نیل و جاده ها، سدها، کارخانجات برق و یک کارخانه تولید اسلحه را بنا نموده اند. آنها بزرگترین طرف معاملات سودان بوده، بیش از ۶۰٪ صادرات این کشور به چین می رود. این قدرت بزرگ آسیای شرقی برنده عقب نشینی شیورون و تحریم دولت امریکاست. حق امتیازهای عظیم شیورون، به ۲۳ بخش استخراجی نفت، موسوم به بلوک ها تقسیم و به ۵ شرکت بین المللی واگذار گشتند. استخراج نفت سودان از همان ابتدا آغشته به خون، همراه خرابی و آواره ساختن اهالی بوده است. شیورون پس از حملات SPLA در همان سال

۱۹۸۴ خود را کنار کشید و به هنگامی که در سال ۱۹۹۰ این کشور را ترک نمود، ارتش شمال به راندن مردم از منطقه "ادار" در بالای نیل که نفت در آنجا کشف شد آغاز نمود.

آنجا منطقه دینکاها می باشد. حملات ارتش با آغاز عملیات استخراجی فزونی یافت. این بیش از همه به مناطق شمالی و غربی نیل مربوط می شود. بین سالهای ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۴ شمار ۱۶۸ آبادی ویران و احشام و آذوقه مردم به تاراج رفت. قریب نیمی از اهالی منطقه بر اثر بیماری، گرسنگی و یا در حملاتی که می شد از بین رفتند. برای جاده سازی بین مناطق ستراترژیک واقع در ملوت، ادار و پالویک ۳۳ روستا به کلی ویران و ۱۲۰۰۰ از اهالی آواره شدند. رسم دینکاها است که رفتگان خود را در روستایشان به خاک می سپارند. آن ها دیگر نه تنها روستاهای خویش را از دست داده اند بلکه به آرامگاه هایشان نیز تجاوز شده و باقیمانده آنها در جاده سازی از بین رفته است. اهالی مناطق شمالی نیل به شدت با فقر دست به گریبان می باشند. ۹۰٪ مردم روزانه کمتر از یک دلار در آمد دارند. کمبود مواد غذایی وضع عادی آنها بوده، نرخ ضعف تغذیه در سال ۲۰۰۵ به ۲۸/۱٪ رسیده بود و از آن زمان تا کنون بهبودی نداشته است. کشف میادین نفتی در منطقه پالویک اوضاع را بدتر نیز کرده است. قبل از سال ۲۰۰۱ در این منطقه یک بیمارستان وجود داشت که توسط خارجی ها اداره می شد و اهالی را به طور مجانی درمان می نمود. اکنون بیمارستان مزبور با اینکه توسعه یافته است، اما در انحصار ارتشیان می باشد. مردم دینکا حتا مجبورند برای ابتیاع داروهای لازم بزهای خویش را به فروش رسانده، تأمین پزشکی آنها بر عهده خودشان مانده است. حتا یک چاه آب نیز در اختیارشان نیست. آنها بیش از سه چهارم آب مورد نیازشان را باید از نیل سفید بردارند، بدون اینکه تصفیه شده باشد و در حالی که برای سلامتشان مضر می باشد. تنها چیزی که به خاطرش حفاری می شود نفت است. در سال ۲۰۰۶ تعداد ۳۲ چاه نفت در پالویک و ۱۰۰ چاه دیگر نیز در اطراف آن وجود داشت. پترودار که کنسرسیومی متشکل از شرکت های چینی، مالزیایی، امیراتی و سودانی بوده و ایجاد تأسیسات بهره برداری کامل نفت را که شامل بر یک فرودگاه دارای پیست پرواز ۲/۵ کیلومتری بتونی، صدها کیلومتر جاده اسفالت شده و خط لوله نفتی به پورت سودان انجام داده است، مبانی زندگی اهالی را به کلی نابود ساخته است. هر که با پای خویش حاضر به ترک منطقه نبوده است، با تهدید و به زور از آنجا رانده شده، نیروهای دولتی و شبه نظامیان روستاهای آنان را ویران ساختند.

خسارات محیط زیستی کمتر اسفبار نبوده و پیش از مقاومت مسلحانه اهالی در مقابل ضایعات وارده بر دلتای نیلگر قابل رویت بودند. بنا بر تحقیقات محلی، در سودان برای بهره برداری از نفت در منطقه بزرگی به وسعت ۵۰ هزار هکتار که مربوط به بلوک های ۱، ۲ و ۴ می باشد ۵۷۹ میلیون درخت را قطع کردند. علاوه بر آن به کار بردن نفت خام و مواد شیمیایی برای تثبیت قسمت هائی که درخت هایش را از بین برده اند، موجب خسارات شدید بر اکوسیستم گشته است. این جاده ها و لوله های نفت همچون سدهائی هستند که جلوی مسیر طبیعی آب را گرفته در تصاویر ماهواره ئی به خوبی قابل مشاهده می باشند که یک سوی آن را آب گرفته و در سوی دیگر خشکی حاکم است. علاوه بر آن در استخراج نفت به مقادیر معتدلی مواد شیمیایی بکار می رود که در ترکیب با لجن و آبی که جاری می گردد محیط زیست را مسموم می سازند. این مواد را شرکت های مزبور برطرف نساخته همانجا می گذارند، بماند آبی که به همراه نفت از دل زمین استخراج می گردد، حامل شماری از مواد مختلف میباشد: املاح، گاز کرین محلول و غیر محلول، فلزات سنگین مانند آرسن، کادمیوم، جیوه و سرب، فُئُل ها، سیاتیید ها و سایر مواد شیمیایی. وجود بیش از هزار حوضچه مسموم بر عملیات حفاری که دیگر حاصلی نداشته و به حال خود رها گشته اند گواهی می دهند.

در مقابل این خسارات حفاری دولت سودان حدود ۱۵۰ مقررات و دستورالعمل را برای مقابله با ضایعات محیط زیست صادر نموده است. در کنار شورای عالی محیط زیست و منابع طبیعی ۸۱ اداره وجود دارد که به ۱۷ وزارتخانه در خرطوم وابسته بوده و مسائل مربوط به محیط زیست را تنظیم می نمایند. اما مدیریت تمامی این اداره ها فاقد اراده لازم و توان بکاربردن قانون در مقابل عملکرد شرکت های نفتی می باشند.

برخی از سازمان های مستقلی که در سازمان European Coalition on Oil in Sudan (ائتلاف اروپائی برای نفت در سودان) تشکیل یافته اند، می کوشند با بررسی یک مورد نمونه، از کشورهایی که شرکت های مزبور در آنجا مستقر می باشند انجام اقدامات قانونی را مطالبه نمایند. کانون توجه آنها بر یک شرکت کوچک سوئدی متمرکز است به نام لوندین اویل Lundin Oil AB که در سال ۱۹۹۷ با شرکت پتروناس مالزی، شرکت OMV اطریشی و شرکت سوئدیت سودانی کنسرسیومی را به وجود آورده و با خرطوم قراردادی برای حفاری چاه نفت در بلوک 5A در ایالت یونیتی واقع در جنوب سودان بستند. آن زمان هنوز دوران جنگ داخلی بود و منطقه مربوط به قرارداد تحت کنترل کامل دولت (شمال) قرار نداشت. دولت برای به وجود آوردن شرایط ایمنی کامل برای عملیات حفاری نیروهای را بدانجا اعزام نمود. از آنها شبه نظامیان یکی از قدر قدرتان جنگی (Warlords) بدنام به نام پاولینو ماتیب حمایت نمود. وظیفه آنها پاکسازی منطقه بود. دبیر کل شورای صلح منطقه جیمز کونگ نینرو نحوه عملیات ارتشیان را گزارش کرده است. به گزارش او آنها با بمباران توسط هواپیما آغاز کردند. این کار هفت روز طول کشید. سپس نیروهای زمینی برای تصفیه اوضاع وارد عمل شدند. آنها کسانی را که باقی مانده بودند کشتند و روستاها را به آتش کشیدند و سرانجام اعلان نمودند که منطقه ایمن گشته و شرکت های نفتی آغاز به کار نمودند. کنسرسیوم مزبور مستقیماً در این عملیات ددمنشانه دخالتی نداشت اما همین کنسرسیوم بود که درخواست ایمنی منطقه را برای آغاز فعالیت خود نموده بود. علاوه بر این دولت بدون این قراردادها توان مالی این را نداشت که اسلحه و مهمات لازم را برای این عملیات اکتیاع نماید. دسته های نظامی پس از اینکه منطقه ای را آرام نموده بودند، سراغ منطقه بعدی می رفتند، کاملاً به طور سیستماتیک. و شرکت های نفتی گام به گام به دنبال آنها می آمدند. تا اینکه تمامی منطقه بلوک 5A تحت کنترل درآمد. شرکت های مزبور به هنگام ورودشان هنوز روستاها را در حال سوختن می یافتند. برابر بررسی های ECOS حدود ۱۲ هزار تن کشته و ۲۰۰ هزار نفر آواره گشتند. بسیاری تحت شکنجه و مورد تجاوز قرار گرفته و ۵۰۰ هزار رأس از احشام تلف گشتند.

در بلوک 5A دستکم تا سال ۲۰۰۳ جنگ حکمفرما و در این مدت شرکت های مزبور در کنار جنایتکاران جنگی کار می کردند. بنا بر ارزیابی ECOS ثابت شده است که شرکت سوئدی لوندین با کنسرسیومی که به وجود آورد موجب ایجاد جنگ داخلی مزبور گشت و بدین نحو زمینه را برای "جنایت در قبال بشریت" آماده نمود. لذا مسؤلیت آن بر عهده شرکت مزبور بوده، احتمال این می رود که اینکار به مجازات مدیران مسؤول آن شرکت و به ویژه به بی آبرویی وزیر امور خارجه سوئدن منجر گردد. زیرا وی در زمان فعالیت لوندین در سودان عضو هیأت رئیسه شرکت مزبور بوده است. ECOS به قرارداد صلح میان شمال و جنوب اشاره می کند که در آن پرداخت خسارت در ازای هر گونه ظلمی که با بهره برداری از نفت شده باشد، در نظر گرفته شده است. بر حسب تخمین خسارات مزبور بالغ بر حدود ۳۰۰ میلیون دلار امریکائی می باشد. اما دولت سوئدن از قبول آن امتناع می ورزد. این دولت حاضر نیست پیرامون فعالیت شرکت های خصوصی اظهار نظر نموده و فعالیت های آنها را مورد بررسی قرار دهد. لوندین در نامه ای سرکشاده خطاب به سهامدارانش نوشت که تمامی اتهامات ناوارد و تهمت می باشند. در ژوئن ۲۰۰۳ شرکت مزبور سهم خود را از بلوک 5A به ۱۴۲/۵ میلیون دلار امریکائی به پتروناس

فروخت و شرکت اطریشی OMV از او تبعیت نموده، سهم خویش را در ماه مه ۲۰۰۴ به بهای ۱۰۵/۶ میلیون دلار امریکا به شرکت هندی ONEC Videst فروخت.

نتیجه بررسی های ECOS در ژوئن ۲۰۱۰ در گزارشی تحت عنوان unpaid dept (بدهکاری ناپرداخته) اعلان گشت. حاصل این بررسی ها پس از جدائی جنوب از شمال نیز برای صنایع خارجی نفت همچون باری سنگین خواهد ماند. زیرا پیش آمدهای حادث در بلوک 5A با آنچه در سایر بلوک ها به وقوع پیوسته است تفاوت اساسی ندارد. همه جا نفت به خون آغشته است. این ارثیه به هر حکومتی که پس از جدائی به وجود آید، خواهد رسید. زیرا قراردادهای نفتی همچنان مصداق داشته و روشهای شرکت های مزبور در صورتی که شرایط قراردادها تغییری نکرده و آنها مورد مراقبت قرار نگیرند، تفاوتی نخواهد کرد. هر دو کشور در تقسیم ثروت حاصله و بهره برداری از نفت برای مدت های طولانی به یکدیگر متصل خواهند ماند. ژاپنی ها که پس از چینی ها بزرگترین طرف مقابل نفت سودان می باشند حاضر به پرداخت ۱/۵ میلیارد دلار امریکائی برای ایجاد لوله نفتی که از میان اوگاندا و کنیا گذشته و به مومبازا برسد می باشند. اما اجرای یک چنین پروژه ای دستکم ده سال به طول می انجامد، تا که سودان جنوبی از وابستگی به سودان شمالی در آید. حتا اگر هر دو دولت موفق شوند که رفراندم و ماه های پس از انجام آن را بدون درگیری جنگی سپری کنند، نفت عامل خطرزای دائمی برای صلح هر دو کشور خواهد ماند.

